

به نام یزدان پاک

همه سوال های

مجموعه مددکاری اجتماعی

(جلد ۱۲)

۱۴۰۳

تالیف و تدوین

گروه مولفین

فهرست مطالب

آزمون کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی ۱۴۰۳

۷.....	مددکاری اجتماعی (مبانی مددکاری، مددکاری فردی، گروهی و جامعه‌ای)
۹.....	پاسخنامه مددکاری اجتماعی (مبانی مددکاری، مددکاری فردی، گروهی و جامعه‌ای)
۳۱.....	روان‌شناسی عمومی (روان‌شناسی مرضی و روان‌شناسی شخصیت)
۳۳.....	پاسخنامه روان‌شناسی عمومی (روان‌شناسی مرضی و روان‌شناسی شخصیت)
۵۷.....	مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۵۹.....	پاسخنامه مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناسی
۹۳.....	مبانی توانبخشی
۹۵.....	پاسخنامه مبانی توانبخشی
۱۱۶.....	منابع

آزمون کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی ۱۴۰۳

مددکاری اجتماعی (مبانی مددکاری، مددکاری فردی، گروهی و جامعه‌ای)



۱. اعتقاد به «بداء»، الهام بخش اصلی کدام ارزش اساسی در مددکاری اجتماعی است؟
(۱) عدالت اجتماعی
(۲) حرمت مقام انسان
(۳) اختیار و آزادی انسان
(۴) مسئولیت فردی و اجتماعی انسان
۲. در تبیین رابطه اخلاق حرفه‌ای و رفتار حرفه‌ای، کدام مورد درست است؟
(۱) دو متغیر مستقل از یکدیگر هستند.
(۲) اخلاق حرفه‌ای، ریشه در ارزش‌های ثانوی دارد که تجلی‌گاه آن، رفتار حرفه‌ای است.
(۳) اخلاق حرفه‌ای، زیرساخت ارزش‌های اساسی است و رفتار حرفه‌ای، نشانه اخلاق حرفه‌ای است.
(۴) اخلاق حرفه‌ای، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول در حرفه است که در رفتار حرفه‌ای متجلی می‌شود.
۳. جریان کار عملی در مددکاری جامعه‌ای، از تلفیق سه محور تحقق می‌یابد. کدام ترکیب، درست است؟
(۱) دانش و مهارت مددکار - حمایت‌های دولت - امکانات اجتماعی
(۲) دانش و مهارت مددکار - امکانات اجتماعی - مشارکت مردم
(۳) امکانات اجتماعی - حمایت دولت - مشارکت اعضای جامعه
(۴) مشارکت مردم - کمک‌های دولت - امکانات اجتماعی
۴. کدام اقدام مددکار اجتماعی در خصوص مراجعی که غمگین است و گریه می‌کند، مناسب است؟
(۱) گفتن عبارت «کاملاً شما را درک می‌کنم»
(۲) دادن دستمال و دعوت به آرامش
(۳) ترک اتاق برای مدت کوتاهی
(۴) پرداختن به دلایل غمگینی
۵. نقش مددکار اجتماعی در «اقدام اجتماعی»، کدام است؟
(۱) سازماندهی منابع اجتماعی
(۲) مشوق آحاد جامعه در امر مشارکت
(۳) قادرسازی در جهت خوداتکایی جامعه
(۴) حامی اقشار جامعه در بهبود شرایط زندگی
۶. دوبیتی زیر، مبین کدام یک از مباحث مددکاری اجتماعی است؟
«فریدون گفت نقاشان چین را
بدان را نیک دار ای مرد هوشیار»
که پیرامون خرگاهش بدوزند
که نیکان خود بزرگ و نیک روزند
۷. تأکید بر ارتقای کارکرد اجتماعی افراد و گروه‌ها از طریق فعالیت‌های سازمان یافته، متعلق به کدام صاحب نظر است؟
(۱) ورنر بوهم
(۲) مالکوم پین
(۳) ورونیکا کالشد
(۴) هلن هریس پرلمن
۸. در بحث از اهداف مددکاری اجتماعی، «هاریت بارتلت» کدام ایده را مطرح کرده است؟
(۱) هدف اصلی خدمات اجتماعی، ایجاد سازگاری بین انسان و محیط است.
(۲) مددکار اجتماعی در پی آن است که انسان، نیازمند تکیه گاه نباشد.
(۳) هدف مددکار اجتماعی، گسترش مهارت‌های مددجو در حل مشکل خود است.
(۴) هدف مددکار اجتماعی این است که افراد، بهترین راه را برای پیشرفت خود انتخاب کنند.
۹. حل تردیدها و ابهامات در مصاحبه انگیزشی، وظیفه کیست؟
(۱) مراجع
(۲) مددکار اجتماعی
(۳) مراجع و اعضای خانواده
(۴) مراجع و مددکار اجتماعی
۱۰. کدام مورد، بیانگر نقش مددکار اجتماعی در مدل گروهی (اهداف اجتماعی) است؟
(۱) واسطه و میانجی‌گر
(۲) متخصص و عامل تغییر
(۳) قادرکننده و آموزش‌دهنده
(۴) درمانگر و اصلاح‌کننده
۱۱. ابزارهای زیربنایی در ارزیابی کیفی خانواده، کدام‌اند؟
(۱) همدلی و مشاهده
(۲) بازدید منزل و مشاهده
(۳) شجره‌نامه و گوش دادن
(۴) مشاهده و گوش دادن
۱۲. در کدام تکنیک مصاحبه، مددکار اجتماعی از مراجع می‌خواهد ادراک و برداشت او را تأیید یا اصلاح کند؟
(۱) روشن‌سازی
(۲) وارسی کردن
(۳) تفسیر
(۴) انعکاس



۱۳. مهم‌ترین ویژگی که مددکاری جامعه‌ای و وقف را از اساس و بنیان شبیه هم می‌سازد، کدام است؟
 (۱) توجه به نیازهای عمومی و جمعی
 (۲) قصد و نیت متکی بر عقلانیت و منطق
 (۳) تلاشی در جهت حل مشکلات اجتماعی
 (۴) مشارکت و استفاده از ظرفیت‌های محلی
۱۴. «حمایت متقابل در گروه»، چه نوع فرایندی از کمک متقابل است؟
 (۱) اعضای گروه با عمل به تقاضا، به یکدیگر کمک می‌کنند.
 (۲) اعضای گروه، دست به اقدام عملی جمعی می‌زنند.
 (۳) اعضا به حمایت عاطفی از یکدیگر می‌پردازند.
 (۴) از طریق آن، اعضا به یک عضو کمک می‌کنند.
۱۵. نگرش گوناگونی انسان‌ها، رفتار انسانی را از کدام جنبه و موضع، مورد بررسی قرار می‌دهد؟
 (۱) ژنتیک (۲) جامعه (۳) عوامل محیطی (۴) نسبیت فرهنگی
۱۶. براساس کدام استاندارد، مددکاران اجتماعی باید بتوانند اطلاعات مربوط به گروه‌های مختلف مراجعان را به سایر متخصصان انتقال دهند؟
 (۱) شایستگی بین فرهنگی (۲) رهبری بین فرهنگی (۳) مهارت‌های بین فرهنگی (۴) آگاهی بین فرهنگی
۱۷. مسئول انتخاب‌های مددجو در موقعیت‌های مددسازی، کدام است؟
 (۱) مددجو و مددکار اجتماعی (۲) مددجو و مؤسسه (۳) مددکار اجتماعی (۴) مددجو
۱۸. بولون، در نظریه نظام‌های اجتماعی، به کدام مفهوم اشاره دارد؟
 (۱) شبکه نظام‌ها (۲) تمایز نظام‌ها (۳) کانون نظام‌ها (۴) پیوند نظام‌ها
۱۹. در شروع کار با مددجو، اهداف براساس کدام مورد تنظیم می‌شود؟
 (۱) نیاز احساس شده (۲) نگرانی تشخیص داده شده (۳) نگرانی‌های احساس شده و بیان شده مددجو (۴) نیاز احساس شده و نیاز تشخیص داده شده
۲۰. عناصر ضروری اعلام شده در الگوی توسعه انسانی که در سال ۱۹۹۵ توسط سازمان ملل اعلام شد، کدام‌اند؟
 (۱) توانمندسازی - پایداری - برابری - بهره‌وری
 (۲) بهره‌وری - پایداری - توانمندسازی - خلاقیت
 (۳) توانمندسازی - فردیت - بهره‌وری - برابری
 (۴) پایداری - برابری - بهره‌وری - فردیت
۲۱. مددکار اجتماعی در مورد عضوی از گروه که بدون اطلاع، گروه را ترک می‌کند و جلسات بعدی گروه را نیز شرکت نمی‌کند، باید چه اقدامی انجام دهد؟
 (۱) با آن عضو تماس بگیرد و دلایل ترک گروه را از او بپرسد.
 (۲) به تصمیم فرد برای ترک گروه به عنوان نوعی انتخاب، احترام بگذارد.
 (۳) از عضوی از گروه که رابطه نزدیک‌تری با آن فرد داشته، بخواهد دلیل ترک گروه را از فرد بپرسد.
 (۴) با توجه به جریان‌هایی که بین اعضای گروه قبلاً اتفاق افتاده، دلیل ترک گروه را شناسایی و برای آن راه حل پیدا کند.
۲۲. کدام مورد در خصوص بازسازی شناختی به عنوان یکی از روش‌هایی که گروه خودیار به اعضا کمک می‌کند، درست است؟
 (۱) اعضای گروه به دلیل اینکه می‌فهمند دیگران مشکلات مشابه آنها را دارند، احساس رضایت بیشتری از زندگی پیدا می‌کنند.
 (۲) اعضای گروه با پذیرش مشابهت مشکلاتشان، روش‌های کمک به خود و دیگری را در ذهنشان تحلیل می‌کنند.
 (۳) اعضای گروه با کمک رهبر گروه، در مورد مسئله خودشان و دیگران، به صورت منطقی‌تر می‌اندیشند.
 (۴) اعضای گروه در مورد خودشان و مشکلاتشان، دیدگاه جدیدی پیدا می‌کنند.
۲۳. از تکنیک مرور فرازهای تجربه در کدام مرحله کار گروهی و با چه هدفی استفاده می‌شود؟
 (۱) انسجام یا هنجار گروه - استفاده از تجربیات به دست آمده از مراحل قبلی برای پیشبرد گروه
 (۲) تضاد - یادآوری تجربه‌های اولیه شرکت در گروه برای ایجاد احساس وفاق بین اعضا
 (۳) پایان گروه - مرور احساسات و تجربیات منحصر به فرد به دست آمده در گروه
 (۴) آغاز گروه - کندوکاو تجربه‌های اعضا از شرکت در گروه‌ها
۲۴. مددکار اجتماعی در کار با گروهی از مددجویان دچار اعتیاد که می‌گویند اعتیاد ندارند و نمی‌دانند گروه به چه درد آنها می‌خورد، چه اقدامی انجام می‌دهد؟
 (۱) از مواجهه غیر مستقیم استفاده می‌کند و از آنها می‌خواهد که تفاوت بین فردی که دچار اعتیاد است و نیست را بگویند.
 (۲) از مواجهه غیر مستقیم استفاده می‌کند و فیلمی از افرادی که درگیر اعتیاد هستند و وضعیتی شبیه آنها دارند را نمایش می‌دهد.
 (۳) از مواجهه مستقیم استفاده می‌کند و به آنها می‌گوید یکی از مراحل مواجهه با اعتیاد، انکار است و طبیعی است که شما در این مرحله باشید.
 (۴) از مواجهه مستقیم استفاده می‌کند و دوستانه به آنها می‌گوید که او به عنوان متخصص، می‌تواند به راحتی افراد دچار اعتیاد و غیر مبتلا را تشخیص دهد.



۱. گزینه ۳

شرح موضوع و منظور سؤال:

این سؤال به بررسی ارتباط بین مفهوم «بداء» در اندیشه اسلامی و ارزش‌های اساسی مددکاری اجتماعی می‌پردازد. هدف سؤال، سنجش درک داوطلب از چگونگی تأثیر این مفهوم دینی بر ارزش‌های بنیادین مددکاری، به ویژه ارزش اختیار و آزادی انسان است. به عبارت دیگر، سؤال می‌خواهد بداند که چگونه اعتقاد به تغییرپذیری سرنوشت انسان (بداء) با اصول مددکاری اجتماعی، که بر توانمندسازی و عاملیت انسان تأکید دارند، همخوانی دارد.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۳ (اختیار و آزادی انسان):

گزینه ۳ («اختیار و آزادی انسان») پاسخ صحیح و مناسب به سؤال است. مفهوم «بداء» در اندیشه اسلامی به معنای تغییر در قضا و قدر الهی بر اساس مشیت و اراده خداوند است. این مفهوم به انسان این امید و باور را می‌دهد که سرنوشت او کاملاً از پیش تعیین شده و غیرقابل تغییر نیست، بلکه با دعا، توبه، اعمال نیک و تلاش خود می‌تواند در مسیر زندگی‌اش تغییر ایجاد کند. این باور به شدت با ارزش «اختیار و آزادی انسان» در مددکاری اجتماعی مرتبط است.

مددکاری اجتماعی بر این اصل استوار است که انسان‌ها دارای اختیار و آزادی برای انتخاب مسیر زندگی خود هستند و می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود، مشکلات و چالش‌های زندگی را پشت سر بگذارند. اعتقاد به بداء نیز همین پیام را دارد و به مددکاران اجتماعی کمک می‌کند تا با رویکردی امیدوارانه و توانمندسازانه با مراجعان خود کار کنند و آن‌ها را تشویق به تلاش برای تغییر و بهبود شرایط زندگی‌شان کنند.

تجزیه و تحلیل و تفسیر بیشتر:

ارتباط بین بداء و اختیار انسان در مددکاری اجتماعی را می‌توان به صورت زیر تبیین کرد:

- **امید به تغییر:** اعتقاد به بداء به مراجعان مددکاری اجتماعی که با مشکلات و چالش‌های گوناگون روبرو هستند، امید به تغییر و بهبود شرایط را می‌دهد. آن‌ها باور می‌کنند که وضعیت فعلی‌شان دائمی و غیرقابل تغییر نیست و با تلاش و کوشش می‌توانند سرنوشت خود را تغییر دهند.
- **توانمندسازی:** بداء با تأکید بر نقش اراده و عمل انسان در تغییر سرنوشت، به توانمندسازی مراجعان کمک می‌کند. آن‌ها احساس می‌کنند که می‌توانند با استفاده از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود، در زندگی‌شان تغییر ایجاد کنند و کنترل بیشتری بر آن داشته باشند.
- **مسئولیت‌پذیری:** اعتقاد به بداء، مسئولیت‌پذیری انسان در قبال اعمال و انتخاب‌هایش را افزایش می‌دهد. انسان می‌داند که سرنوشت او تا حد زیادی به تصمیمات و رفتارهای خودش بستگی دارد و باید در قبال آن‌ها پاسخگو باشد.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ («عدالت اجتماعی»):** در حالی که عدالت اجتماعی یکی از ارزش‌های مهم مددکاری اجتماعی است، ارتباط مستقیمی با مفهوم بداء ندارد. بداء بیشتر بر اختیار و آزادی فردی و تأثیر آن بر سرنوشت تأکید دارد، در حالی که عدالت اجتماعی به توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه می‌پردازد.
- **گزینه ۲ («حرمت مقام انسان»):** حرمت مقام انسان نیز از ارزش‌های اساسی مددکاری اجتماعی است، اما ارتباط آن با بداء به اندازه ارتباط اختیار و آزادی انسان مستقیم نیست. بداء به انسان این امکان را می‌دهد که با استفاده از اختیار خود، سرنوشتش را تغییر دهد و این خود نوعی احترام به مقام و منزلت اوست، اما محور اصلی بداء، اختیار و آزادی است.
- **گزینه ۴ («مسئولیت فردی و اجتماعی انسان»):** مسئولیت فردی و اجتماعی نیز از مفاهیم مهم در مددکاری اجتماعی است، اما بداء بیشتر بر جنبه فردی و تأثیر اراده و عمل فرد بر سرنوشت تأکید دارد. مسئولیت اجتماعی بیشتر به نقش فرد در قبال جامعه و تعهدات او در قبال دیگران می‌پردازد.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **بداء (Change in Destiny/Divine Decree):** در اصطلاح کلامی، به معنای تغییر در قضا و قدر الهی بر اساس مشیت و اراده خداوند است. این مفهوم به انسان امید به تغییر سرنوشت با دعا، توبه و اعمال نیک را می‌دهد.
- **اختیار و آزادی انسان (Free Will/Human Agency):** به معنای توانایی انسان در انتخاب و تصمیم‌گیری و تعیین مسیر زندگی خود است.
- **عدالت اجتماعی (Social Justice):** توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها در جامعه و رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها.
- **حرمت مقام انسان (Human Dignity):** ارزش ذاتی و والای انسان به عنوان یک موجود مختار و مسئول.
- **مسئولیت فردی و اجتماعی (Individual and Social Responsibility):** تعهد و پاسخگویی فرد در قبال اعمال و انتخاب‌های خود و همچنین در قبال جامعه و دیگران.

۲. گزینه ۴

شرح موضوع و منظور سؤال:

این سؤال به بررسی رابطه بین دو مفهوم کلیدی در حرفه مددکاری اجتماعی، یعنی «اخلاق حرفه‌ای» و «رفتار حرفه‌ای» می‌پردازد. هدف سؤال، سنجش درک داوطلب از نحوه ارتباط این دو مفهوم و چگونگی تأثیرگذاری اخلاق حرفه‌ای بر رفتار حرفه‌ای است. به عبارت دیگر، سؤال می‌خواهد بداند که آیا اخلاق حرفه‌ای صرفاً مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهاست یا نقشی فراتر از آن، یعنی شکل‌دهی و هدایت رفتار حرفه‌ای، ایفا می‌کند.



دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۴:

گزینه ۴ «اخلاق حرفه‌ای، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول در حرفه است که در رفتار حرفه‌ای متجلی می‌شود» دقیق‌ترین و جامع‌ترین پاسخ به سؤال است. این گزینه به درستی بیان می‌کند که اخلاق حرفه‌ای شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها (مانند احترام به کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، رازداری و...) و هنجارها (قواعد رفتاری که بر اساس این ارزش‌ها شکل می‌گیرند) است که در حرفه مددکاری اجتماعی مورد توافق و پذیرش قرار گرفته‌اند. این ارزش‌ها و هنجارها به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفتار مددکاران اجتماعی تأثیر می‌گذارند و نحوه تعامل آن‌ها با مراجعان، همکاران و جامعه را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر، رفتار حرفه‌ای، تجلی و نمود عینی اخلاق حرفه‌ای در عمل است.

برای مثال، ارزش «احترام به کرامت انسانی» به عنوان یک اصل اخلاقی، در رفتار حرفه‌ای مددکار اجتماعی به صورت رعایت حقوق مراجعان، گوش دادن فعال به آن‌ها، پرهیز از قضاوت و تبعیض و تلاش برای توانمندسازی آن‌ها متجلی می‌شود. بنابراین، اخلاق حرفه‌ای به عنوان یک چارچوب ارزشی، جهت‌دهنده و تعیین‌کننده رفتار حرفه‌ای مددکاران است.

تجزیه و تحلیل و تفسیر بیشتر:

این گزینه به خوبی نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای صرفاً مجموعه‌ای انتزاعی از اصول نیست، بلکه در زندگی حرفه‌ای مددکاران نمود عملی پیدا می‌کند. این تجلی در ابعاد مختلف رفتار حرفه‌ای قابل مشاهده است، از جمله:

- **تصمیم‌گیری‌های اخلاقی:** در مواجهه با دوراهی‌های اخلاقی، مددکاران با تکیه بر اصول اخلاقی حرفه خود، تصمیمات درست و اخلاقی اتخاذ می‌کنند.
 - **نوع ارتباط با مراجعان:** اخلاق حرفه‌ای نحوه تعامل مددکاران با مراجعان را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که این تعامل مبتنی بر احترام، همدلی، رازداری و توانمندسازی باشد.
 - **همکاری با سایر متخصصان:** اخلاق حرفه‌ای نحوه همکاری مددکاران با سایر متخصصان در قالب تیم‌های چندتخصصی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.
 - **مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی:** اخلاق حرفه‌ای مددکاران را تشویق می‌کند تا در راستای عدالت اجتماعی و بهبود شرایط زندگی افراد جامعه، در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت کنند.
- علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:**

- **گزینه ۱ «دو متغیر مستقل از یکدیگر هستند»:** این گزینه کاملاً نادرست است. اخلاق حرفه‌ای و رفتار حرفه‌ای دو مفهوم مرتبط و وابسته به یکدیگرند. رفتار حرفه‌ای، نمود عینی و عملی اخلاق حرفه‌ای است و بدون وجود یک چارچوب اخلاقی، رفتار حرفه‌ای معنا و مفهومی نخواهد داشت.
- **گزینه ۲ «اخلاق حرفه‌ای، ریشه در ارزش‌های ثانوی دارد که تجلی‌گاه آن، رفتار حرفه‌ای است»:** این گزینه نیز نادرست است. اخلاق حرفه‌ای ریشه در ارزش‌های اساسی و بنیادین انسانی مانند کرامت انسانی، عدالت، آزادی و برابری دارد، نه ارزش‌های ثانوی. ارزش‌های ثانوی ممکن است بر اساس شرایط و موقعیت‌های خاص تغییر کنند، در حالی که ارزش‌های اساسی اخلاق حرفه‌ای ثابت و پایدارند.
- **گزینه ۳ «اخلاق حرفه‌ای، زیرساخت ارزش‌های اساسی است و رفتار حرفه‌ای، نشانه اخلاق حرفه‌ای است»:** این گزینه تا حدی درست است، اما کامل نیست. اخلاق حرفه‌ای صرفاً زیرساخت ارزش‌های اساسی نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای مشخص است که در حرفه مددکاری اجتماعی مورد توافق قرار گرفته‌اند. همچنین، رفتار حرفه‌ای صرفاً «نشانه» اخلاق حرفه‌ای نیست، بلکه «تجلی» و نمود عینی آن در عمل است.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **اخلاق حرفه‌ای (Professional Ethics):** مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها و هنجارهایی که رفتار اعضای یک حرفه را هدایت می‌کند. این اصول و ارزش‌ها معمولاً در قالب کدهای اخلاقی یا منشورهای اخلاقی تدوین می‌شوند.
- **رفتار حرفه‌ای (Professional Conduct/Behavior):** نحوه عملکرد و رفتار اعضای یک حرفه در محیط کار و در تعامل با مراجعان، همکاران و جامعه. رفتار حرفه‌ای باید مطابق با اصول و ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای باشد.
- **ارزش‌ها (Values):** باورهای بنیادین و عمیق افراد در مورد خوب و بد، درست و نادرست، مهم و غیرمهم. ارزش‌ها مبنای تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای افراد را تشکیل می‌دهند.
- **هنجارها (Norms):** قواعد و استانداردهای رفتاری که در یک جامعه یا گروه خاص مورد قبول و انتظار هستند. هنجارها چگونگی رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف را تعیین می‌کنند.

گزینه ۲) ۳.

شرح موضوع و منظور سوال:

سوال مطرح شده به دنبال شناسایی ترکیب صحیح عوامل مؤثر در جریان کار عملی مددکاری جامعه‌ای است. به عبارت دیگر، سوال می‌پرسد که برای اجرای مؤثر برنامه‌های مددکاری در سطح جامعه، چه عواملی باید با یکدیگر ترکیب شوند و هم‌افزایی ایجاد کنند. منظور سوال، درک صحیح از رویکرد جامعه‌محور در مددکاری اجتماعی و شناخت عناصر کلیدی آن است.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۲ (دانش و مهارت مددکار - امکانات اجتماعی - مشارکت مردم):

گزینه ۲ به درستی سه عنصر اصلی در مددکاری جامعه‌ای را مشخص می‌کند:



- **دانش و مهارت مددکار:** مددکار اجتماعی نقش تسهیل‌گر، توانمندساز و هماهنگ‌کننده را در جامعه ایفا می‌کند. دانش مددکار در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاست‌های اجتماعی، روش‌های مداخله و مهارت‌های ارتباطی، مصاحبه، مدیریت بحران و غیره، او را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر در جامعه فعالیت کند. بدون دانش و مهارت کافی، مددکار نمی‌تواند به درستی نیازهای جامعه را شناسایی کند، برنامه‌های مناسب را طراحی و اجرا کند و با ذینفعان مختلف ارتباط برقرار کند.
 - **امکانات اجتماعی:** منظور از امکانات اجتماعی، منابع و ساختارهای موجود در جامعه است که می‌تواند به بهبود وضعیت افراد و جامعه کمک کند. این امکانات شامل سازمان‌های دولتی و غیردولتی، خدمات بهداشتی و آموزشی، فضاهای عمومی، منابع مالی، قوانین و مقررات و غیره می‌شود. مددکار جامعه‌ای باید با این امکانات آشنا باشد و بتواند از آنها به نحو احسن برای رفع نیازهای جامعه استفاده کند.
 - **مشارکت مردم:** مشارکت مردم، رکن اصلی مددکاری جامعه‌ای است. بدون مشارکت فعالانه مردم در شناسایی مشکلات، طراحی و اجرای برنامه‌ها و ارزیابی نتایج، هیچ برنامه مددکاری جامعه‌ای نمی‌تواند موفق باشد. مشارکت مردم به معنای درگیر کردن آنها در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد حس مالکیت نسبت به برنامه‌ها و افزایش پایداری آنها است. این سه عنصر به صورت یک چرخه تعاملی عمل می‌کنند. دانش و مهارت مددکار، او را قادر می‌سازد تا با امکانات اجتماعی موجود و با مشارکت مردم، برنامه‌های مؤثر را طراحی و اجرا کند. این برنامه‌ها نیز به نوبه خود، به تقویت دانش و مهارت مددکار و افزایش مشارکت مردم منجر می‌شوند.
- تجزیه و تحلیل و تفسیر بیشتر:**
- مددکاری جامعه‌ای رویکردی جامع و یکپارچه است که به دنبال حل مسائل اجتماعی در سطح جامعه با تأکید بر مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های محلی است. این رویکرد بر توانمندسازی جامعه و ایجاد تغییرات پایدار تأکید دارد. گزینه ۲ با تأکید بر سه عنصر دانش و مهارت مددکار، امکانات اجتماعی و مشارکت مردم، به درستی این رویکرد را منعکس می‌کند.
- علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:**
- **گزینه ۱ (دانش و مهارت مددکار – حمایت‌های دولت – امکانات اجتماعی):** در حالی که حمایت دولت و امکانات اجتماعی مهم هستند، این گزینه نقش حیاتی مشارکت مردم را نادیده می‌گیرد. بدون مشارکت مردم، برنامه‌ها از بالا به پایین و بدون توجه به نیازها و اولویت‌های واقعی جامعه طراحی و اجرا می‌شوند و احتمال موفقیت آنها بسیار کم است.
 - **گزینه ۳ (امکانات اجتماعی – حمایت دولت – مشارکت اعضای جامعه):** این گزینه نیز مانند گزینه ۱، نقش محوری دانش و مهارت مددکار را نادیده می‌گیرد. مددکار به عنوان متخصص و تسهیل‌گر، نقش مهمی در هماهنگی بین امکانات اجتماعی، حمایت دولت و مشارکت مردم ایفا می‌کند. بدون حضور مددکار، این سه عنصر نمی‌توانند به طور مؤثر با یکدیگر تعامل داشته باشند.
 - **گزینه ۴ (مشارکت مردم – کمک‌های دولت – امکانات اجتماعی):** این گزینه نیز مانند گزینه‌های قبلی، نقش دانش و مهارت مددکار را نادیده می‌گیرد و صرفاً به عوامل بیرونی تأکید دارد.
- اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:**
- **مددکاری جامعه‌ای: (Community Social Work)** رویکردی در مددکاری اجتماعی که بر حل مسائل اجتماعی در سطح جامعه با تأکید بر مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های محلی تمرکز دارد.
 - **مشارکت مردم: (Community Participation)** درگیر کردن فعالانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها و پروژه‌های مرتبط با جامعه.
 - **توانمندسازی جامعه: (Community Empowerment)** فرآیندی که از طریق آن، افراد و گروه‌ها در جامعه، کنترل بیشتری بر زندگی خود و محیط اطرافشان پیدا می‌کنند و قادر به حل مسائل خود می‌شوند.
 - **امکانات اجتماعی: (Social Resources)** منابع و ساختارهای موجود در جامعه که می‌تواند به بهبود وضعیت افراد و جامعه کمک کند.

گزینه ۲) ۴.

شرح موضوع و منظور سوال:

سوال مطرح شده به دنبال شناسایی ترکیب صحیح عوامل مؤثر در جریان کار عملی مددکاری جامعه‌ای است. به عبارت دیگر، سوال می‌پرسد که برای اجرای مؤثر برنامه‌های مددکاری در سطح جامعه، چه عواملی باید با یکدیگر ترکیب شوند و هم‌افزایی ایجاد کنند. منظور سوال، درک صحیح از رویکرد جامعه‌محور در مددکاری اجتماعی و شناخت عناصر کلیدی آن است.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۲ (دانش و مهارت مددکار – امکانات اجتماعی – مشارکت مردم):

گزینه ۲ به درستی سه عنصر اصلی در مددکاری جامعه‌ای را مشخص می‌کند:

- **دانش و مهارت مددکار:** مددکار اجتماعی نقش تسهیل‌گر، توانمندساز و هماهنگ‌کننده را در جامعه ایفا می‌کند. دانش مددکار در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاست‌های اجتماعی، روش‌های مداخله و مهارت‌های ارتباطی، مصاحبه، مدیریت بحران و غیره، او را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر در جامعه فعالیت کند. بدون دانش و مهارت کافی، مددکار نمی‌تواند به درستی نیازهای جامعه را شناسایی کند، برنامه‌های مناسب را طراحی و اجرا کند و با ذینفعان مختلف ارتباط برقرار کند.



- **امکانات اجتماعی:** منظور از امکانات اجتماعی، منابع و ساختارهای موجود در جامعه است که می‌تواند به بهبود وضعیت افراد و جامعه کمک کند. این امکانات شامل سازمان‌های دولتی و غیردولتی، خدمات بهداشتی و آموزشی، فضاهای عمومی، منابع مالی، قوانین و مقررات و غیره می‌شود. مددکار جامعه‌ای باید با این امکانات آشنا باشد و بتواند از آنها به نحو احسن برای رفع نیازهای جامعه استفاده کند.
- **مشارکت مردم:** مشارکت مردم، رکن اصلی مددکاری جامعه‌ای است. بدون مشارکت فعالانه مردم در شناسایی مشکلات، طراحی و اجرای برنامه‌ها و ارزیابی نتایج، هیچ برنامه مددکاری جامعه‌ای نمی‌تواند موفق باشد. مشارکت مردم به معنای درگیر کردن آنها در تصمیم‌گیری‌ها، ایجاد حس مالکیت نسبت به برنامه‌ها و افزایش پایداری آنها است.
- این سه عنصر به صورت یک چرخه تعاملی عمل می‌کنند. دانش و مهارت مددکار، او را قادر می‌سازد تا با امکانات اجتماعی موجود و با مشارکت مردم، برنامه‌های مؤثر را طراحی و اجرا کند. این برنامه‌ها نیز به نوبه خود، به تقویت دانش و مهارت مددکار و افزایش مشارکت مردم منجر می‌شوند.
- تجزیه و تحلیل و تفسیر بیشتر:**
- مددکاری جامعه‌ای رویکردی جامع و یکپارچه است که به دنبال حل مسائل اجتماعی در سطح جامعه با تأکید بر مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های محلی است. این رویکرد بر توانمندسازی جامعه و ایجاد تغییرات پایدار تأکید دارد. گزینه ۲ با تأکید بر سه عنصر دانش و مهارت مددکار، امکانات اجتماعی و مشارکت مردم، به درستی این رویکرد را منعکس می‌کند.
- علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:**
- **گزینه ۱ (دانش و مهارت مددکار – حمایت‌های دولت – امکانات اجتماعی):** در حالی که حمایت دولت و امکانات اجتماعی مهم هستند، این گزینه نقش حیاتی مشارکت مردم را نادیده می‌گیرد. بدون مشارکت مردم، برنامه‌ها از بالا به پایین و بدون توجه به نیازها و اولویت‌های واقعی جامعه طراحی و اجرا می‌شوند و احتمال موفقیت آنها بسیار کم است.
- **گزینه ۳ (امکانات اجتماعی – حمایت دولت – مشارکت اعضای جامعه):** این گزینه نیز مانند گزینه ۱، نقش محوری دانش و مهارت مددکار را نادیده می‌گیرد. مددکار به عنوان متخصص و تسهیل‌گر، نقش مهمی در هماهنگی بین امکانات اجتماعی، حمایت دولت و مشارکت مردم ایفا می‌کند. بدون حضور مددکار، این سه عنصر نمی‌توانند به طور مؤثر با یکدیگر تعامل داشته باشند.
- **گزینه ۴ (مشارکت مردم – کمک‌های دولت – امکانات اجتماعی):** این گزینه نیز مانند گزینه‌های قبلی، نقش دانش و مهارت مددکار را نادیده می‌گیرد و صرفاً به عوامل بیرونی تأکید دارد.
- اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:**
- **مددکاری جامعه‌ای: (Community Social Work)** رویکردی در مددکاری اجتماعی که بر حل مسائل اجتماعی در سطح جامعه با تأکید بر مشارکت مردم و استفاده از ظرفیت‌های محلی تمرکز دارد.
- **مشارکت مردم: (Community Participation)** درگیر کردن فعالانه مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری، طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها و پروژه‌های مرتبط با جامعه.
- **توانمندسازی جامعه: (Community Empowerment)** فرآیندی که از طریق آن، افراد و گروه‌ها در جامعه، کنترل بیشتری بر زندگی خود و محیط اطرافشان پیدا می‌کنند و قادر به حل مسائل خود می‌شوند.
- **امکانات اجتماعی: (Social Resources)** منابع و ساختارهای موجود در جامعه که می‌تواند به بهبود وضعیت افراد و جامعه کمک کند.

۵. گزینه ۴

شرح موضوع سوال:

سوال مطرح شده به دنبال تعیین نقش مددکار اجتماعی در «اقدام اجتماعی» است. «اقدام اجتماعی» به تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای اشاره دارد که توسط گروه‌ها یا جوامع برای بهبود شرایط زندگی، رفع مشکلات اجتماعی و دستیابی به عدالت اجتماعی انجام می‌شود. این اقدامات می‌توانند شامل فعالیت‌های متنوعی از قبیل بسیج عمومی، لابی‌گری، اعتراضات مدنی، ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد و اجرای پروژه‌های توسعه‌ای باشند. سوال می‌خواهد بداند که مددکار اجتماعی در این عرصه چه نقشی ایفا می‌کند.

دلایل انتخاب گزینه ۴ (حامی اقشار جامعه در بهبود شرایط زندگی) به عنوان گزینه مناسب:

گزینه ۴ به طور مستقیم با هدف اصلی مددکاری اجتماعی یعنی بهبود رفاه و کیفیت زندگی افراد و جوامع همسو است. مددکاران اجتماعی به عنوان حامیان افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر، تلاش می‌کنند تا با توانمندسازی آنها، دسترسی به منابع، ارائه خدمات حمایتی و تسهیل مشارکت آنها در فرآیندهای اجتماعی، به بهبود شرایط زندگی آنها کمک کنند. این نقش حمایتی در «اقدام اجتماعی» نیز نمود پیدا می‌کند. مددکاران اجتماعی با حمایت از گروه‌های مردمی در پیگیری مطالباتشان، بسیج منابع، ایجاد شبکه‌های ارتباطی و تسهیل گفت‌وگو بین ذینفعان مختلف، به بهبود شرایط زندگی جامعه کمک می‌کنند.

توضیح تشریحی و تحلیلی بیشتر:

مددکاری اجتماعی بر پایه ارزش‌هایی مانند عدالت اجتماعی، احترام به حقوق بشر، کرامت انسانی و خودتعیین‌گری استوار است. این ارزش‌ها ایجاب می‌کنند که مددکاران اجتماعی در تلاش برای بهبود شرایط زندگی افراد و جوامع، نقش فعالی ایفا کنند. «اقدام اجتماعی» یکی از عرصه‌های مهم این فعالیت است. مددکاران اجتماعی با ایفای نقش حمایتی در این عرصه، به افراد و گروه‌ها کمک می‌کنند تا صدای خود را به گوش مسئولین برسانند، مطالبات خود را



پیگیری کنند و در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشند. این حمایت می‌تواند شامل ارائه اطلاعات، آموزش مهارت‌های لازم، ایجاد فرصت‌های مشارکت و تسهیل دسترسی به منابع باشد.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

نقش حمایتی مددکار اجتماعی در «اقدام اجتماعی» صرفاً به ارائه کمک‌های مادی محدود نمی‌شود. بلکه شامل حمایت عاطفی، روانی، اجتماعی و سیاسی نیز می‌شود. مددکاران اجتماعی با ایجاد فضایی امن و اعتمادبخش، به افراد و گروه‌ها کمک می‌کنند تا توانمندی‌های خود را شناسایی کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند و در راستای بهبود شرایط زندگی خود و جامعه‌شان گام بردارند. این نقش حمایتی، نقش تسهیل‌گرانه و توانمندسازانه نیز دارد.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (سازماندهی منابع اجتماعی):** در حالی که سازماندهی منابع اجتماعی بخشی از نقش مددکار اجتماعی در «اقدام اجتماعی» است، اما تنها نقش آن نیست. گزینه ۴ جامع‌تر است و نقش حمایتی مددکار اجتماعی را در ابعاد مختلف در بر می‌گیرد. سازماندهی منابع، ابزاری است در جهت تحقق هدف اصلی که همان بهبود شرایط زندگی است.
 - **گزینه ۲ (مشوق آحاد جامعه در امر مشارکت):** تشویق به مشارکت نیز بخشی از نقش مددکار اجتماعی است، اما باز هم محدود به یک جنبه از فعالیت آن در «اقدام اجتماعی» است. مددکار اجتماعی علاوه بر تشویق، به توانمندسازی افراد برای مشارکت مؤثر نیز می‌پردازد.
 - **گزینه ۳ (قادرسازی در جهت خوداتکایی جامعه):** قادرسازی و توانمندسازی جامعه برای رسیدن به خوداتکایی، هدف نهایی بسیاری از اقدامات اجتماعی است. اما نقش مددکار اجتماعی در این فرایند، صرفاً به قادرسازی محدود نمی‌شود. بلکه شامل حمایت، تسهیل‌گری و سایر جنبه‌ها نیز می‌شود.
- اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:**
- **اقدام اجتماعی: (Social Action)** به تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای اشاره دارد که توسط گروه‌ها یا جوامع برای بهبود شرایط زندگی، رفع مشکلات اجتماعی و دستیابی به عدالت اجتماعی انجام می‌شود.
 - **حمایت: (Advocacy/Support)** به فعالیت‌هایی اشاره دارد که در جهت دفاع از حقوق و منافع افراد و گروه‌ها و بهبود شرایط زندگی آنها انجام می‌شود.
 - **توانمندسازی: (Empowerment)** به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن افراد و گروه‌ها قدرت و کنترل بیشتری بر زندگی خود و محیط اطرافشان پیدا می‌کنند.
 - **سازماندهی منابع اجتماعی: (Social Resource Organization)** به فرایند شناسایی، گردآوری، توزیع و مدیریت منابع موجود در جامعه برای رفع نیازهای افراد و گروه‌ها اشاره دارد.
 - **مشارکت: (Participation)** به حضور فعال و مؤثر افراد و گروه‌ها در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های اجتماعی اشاره دارد.
 - **خوداتکایی: (Self-Reliance)** به توانایی افراد و جوامع برای تأمین نیازهای خود بدون وابستگی به دیگران اشاره دارد.

گزینه ۳) ۶.

شرح موضوع سؤال:

سؤال، ابیاتی از شاهنامه فردوسی را ارائه داده و از مخاطب می‌خواهد که تشخیص دهد این ابیات با کدام یک از مفاهیم مددکاری اجتماعی مرتبط است. هدف سؤال، سنجش درک داوطلب از اصول بنیادین مددکاری اجتماعی و ارتباط آن با مفاهیم اخلاقی و انسانی در ادبیات کهن فارسی است.

دلایل انتخاب گزینه ۳ (حرمت مقام انسان):

ابیات مذکور بر اهمیت تکریم و بزرگداشت انسان، صرف نظر از جایگاه اجتماعی یا ویژگی‌های ظاهری او، تأکید دارند. این مفهوم به طور مستقیم با اصل «حرمت مقام انسان» در مددکاری اجتماعی همخوانی دارد. این اصل، هسته مرکزی ارزش‌های مددکاری اجتماعی را تشکیل می‌دهد و بیانگر باور به ارزش ذاتی و بی‌قید و شرط هر انسان است. بر اساس این اصل، مددکار اجتماعی موظف است با تمام مراجعین خود با احترام و کرامت رفتار کند و حقوق و آزادی‌های آنها را به رسمیت بشناسد.

توضیح، تحلیل و تفسیر مفصل:

اصل حرمت مقام انسان، ریشه در فلسفه‌های انسان‌گرایانه و ادیان الهی دارد. این اصل، بر این باور استوار است که هر انسانی، صرف نظر از نژاد، مذهب، جنسیت، وضعیت اقتصادی یا اجتماعی، دارای ارزش ذاتی و کرامت انسانی است. در مددکاری اجتماعی، این اصل به معنای پذیرش بی‌قید و شرط مراجع، احترام به حقوق او، و تلاش برای توانمندسازی او برای رسیدن به خودکوفایی است. این اصل در تمامی سطوح مددکاری، از مددکاری فردی تا مددکاری جامعه‌ای، کاربرد دارد.

ابیات شاهنامه نیز دقیقاً بر همین مفهوم تأکید دارند. فریدون به نقاشان دستور می‌دهد که در ترسیم تصاویر، به جای تمرکز بر بدی‌ها، نیکی‌ها را به تصویر بکشند و به این ترتیب، ارزش و جایگاه انسان را گرامی بدارند. این نگرش، با اصل حرمت مقام انسان در مددکاری اجتماعی کاملاً همسو است.

عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (پذیرش مددجو):** پذیرش مددجو، یکی از مهارت‌های مهم مددکار اجتماعی است و به معنای پذیرش بی‌قید و شرط مراجع و شرایط اوست. در حالی که ابیات به طور ضمنی به پذیرش اشاره دارند، تمرکز اصلی آنها بر ارزش ذاتی انسان و لزوم تکریم اوست، نه صرفاً پذیرش او.



- گزینه ۲ (برابری انسان‌ها): برابری انسان‌ها، مفهومی مهم در حقوق بشر و عدالت اجتماعی است و به معنای برخورداری یکسان همه انسان‌ها از حقوق و فرصت‌هاست. در حالی که ابیات به طور ضمنی به این مفهوم اشاره دارند، تأکید اصلی آنها بر ارزش ذاتی و کرامت انسانی است، نه برابری حقوقی یا فرصت‌ها.
- گزینه ۴ (اختیار و خودتصمیم‌گیری): اختیار و خودتصمیم‌گیری، به حق مراجع برای انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد زندگی خود اشاره دارد. در حالی که این مفهوم نیز در مددکاری اجتماعی بسیار مهم است، ابیات به طور مستقیم به این موضوع نمی‌پردازند.

تجزیه و تحلیل جداگانه (بدون تکرار مطالب):

نکته مهم در این ابیات، تأکید بر «تیک داشتن» افراد است. این عبارت، نه تنها به معنای پذیرش و احترام، بلکه به معنای تلاش برای بهبود وضعیت و ارتقای جایگاه انسان‌ها نیز هست. این نگرش، با هدف مددکاری اجتماعی که توانمندسازی افراد و کمک به آنها برای رسیدن به حداکثر پتانسیل خود است، همخوانی دارد.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- حرمت مقام انسان (Dignity of the Person): این اصطلاح به ارزش ذاتی و بی‌قید و شرط هر انسان اشاره دارد.
- پذیرش مددجو (Client Acceptance): این اصطلاح به پذیرش بی‌قید و شرط مراجع و شرایط او توسط مددکار اشاره دارد.
- برابری انسان‌ها (Equality of Human Beings): این اصطلاح به برخورداری یکسان همه انسان‌ها از حقوق و فرصت‌ها اشاره دارد.
- اختیار و خودتصمیم‌گیری (Self-Determination): این اصطلاح به حق مراجع برای انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد زندگی خود اشاره دارد.

گزینه ۱) .۷

شرح منظور و موضوع سؤال:

سؤال مطرح شده به دنبال یافتن اندیشمندی است که بر ارتقای کارکرد اجتماعی افراد و گروه‌ها از طریق فعالیت‌های سازمان‌یافته تأکید داشته است. به عبارت دیگر، سؤال می‌خواهد بداند کدام نظریه‌پرداز، فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده و منسجم را به عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد اجتماعی افراد و گروه‌ها معرفی کرده است. موضوع اصلی سؤال، ارتباط بین فعالیت‌های سازمان‌یافته و بهبود کارکرد اجتماعی در حوزه مددکاری اجتماعی است.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۱ (ورنر بوهم):

ورنر بوهم (Werner Boehm)، یکی از چهره‌های برجسته در مددکاری اجتماعی، به طور خاص بر اهمیت کارکرد اجتماعی و نقش فعالیت‌های سازمان‌یافته در ارتقای آن تأکید داشته است. او در چارچوب نظری خود، مفهوم «کارکرد اجتماعی» را به عنوان توانایی فرد در ایفای نقش‌های اجتماعی مورد انتظار و برآورده کردن نیازهای خود در تعامل با محیط اجتماعی تعریف می‌کند. بوهم معتقد بود که فعالیت‌های سازمان‌یافته، فرصت‌هایی را برای افراد و گروه‌ها فراهم می‌آورند تا مهارت‌های اجتماعی خود را تقویت کنند، شبکه‌های حمایتی ایجاد کنند، به منابع دسترسی پیدا کنند و در نهایت، عملکرد اجتماعی خود را بهبود بخشند.

بوهم در آثار خود، به ویژه در گزارش «برنامه درسی مطالعات مددکاری اجتماعی (Curriculum Study of Social Work Education)»، بر اهمیت آموزش مددکاران اجتماعی در زمینه استفاده از روش‌های سازمان‌یافته برای مداخله در مسائل اجتماعی تأکید فراوان داشت. او معتقد بود که مددکاران باید قادر باشند برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کنند که به طور مشخص به بهبود کارکرد اجتماعی مراجعان کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش مهارت‌های زندگی، گروه‌های حمایتی، فعالیت‌های اجتماعی و سایر مداخلات هدفمند باشند.

تجزیه و تحلیل و تفسیر (بدون مطالب تکراری):

تأکید بوهم بر فعالیت‌های سازمان‌یافته، نشان‌دهنده رویکردی سیستمی و برنامه‌ریزی‌شده در مددکاری اجتماعی است. او به جای تمرکز صرف بر مشکلات فردی، به تعامل فرد با محیط اجتماعی و نقش سازمان‌ها و نهادها در این تعامل توجه داشت. از دیدگاه بوهم، فعالیت‌های سازمان‌یافته می‌توانند به عنوان پلی بین فرد و جامعه عمل کنند و فرصت‌هایی را برای مشارکت اجتماعی، توسعه شخصی و بهبود کیفیت زندگی فراهم آورند. این رویکرد، تأثیر بسزایی بر آموزش مددکاری اجتماعی و نحوه مداخله مددکاران در مسائل اجتماعی داشته است.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- مالکوم پین (Malcolm Payne): پین بیشتر به دلیل آثارش در زمینه نظریه‌های مددکاری اجتماعی و رویکردهای مختلف مداخله شناخته می‌شود. اگرچه او به اهمیت کارکرد اجتماعی نیز توجه داشته، اما تأکید ویژه‌ای بر فعالیت‌های سازمان‌یافته به عنوان ابزاری برای ارتقای آن نداشته است. تمرکز پین بیشتر بر تحلیل انتقادی رویکردهای مختلف مددکاری و ارائه چارچوب‌های نظری برای درک پیچیدگی‌های این حوزه بوده است.
- ورونیکا کالشد (Veronika Kalshed): در منابع معتبر مددکاری اجتماعی، نامی از ورونیکا کالشد به عنوان یک نظریه‌پرداز برجسته در این حوزه یافت نشد. احتمالاً این گزینه به منظور گمراه کردن داوطلبان در سؤال قرار داده شده است.
- هلن هریس پرلמן (Helen Harris Perlman): پرلמן بیشتر به دلیل نظریه «حل مسئله» در مددکاری فردی شناخته می‌شود. او بر اهمیت رابطه مددکار-مراجع و فرایند گام به گام حل مسئله در کمک به افراد برای مقابله با مشکلاتشان تأکید داشت. اگرچه نظریه پرلמן به طور غیرمستقیم به بهبود کارکرد اجتماعی افراد کمک می‌کند، اما تمرکز اصلی او بر فعالیت‌های سازمان‌یافته به عنوان ابزاری برای این منظور نبوده است.



اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **کارکرد اجتماعی: (Social Functioning)** به توانایی فرد در ایفای نقش‌های اجتماعی مورد انتظار و برآورده کردن نیازهای خود در تعامل با محیط اجتماعی اشاره دارد.
- **فعالیت‌های سازمان‌یافته: (Organized Activities)** به فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده و منسجمی گفته می‌شود که با هدف مشخصی طراحی و اجرا می‌شوند. این فعالیت‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های آموزشی، گروه‌های حمایتی، فعالیت‌های اجتماعی و سایر مداخلات هدفمند باشند.

گزینه ۱) .۸

شرح منظور و موضوع سؤال:

سؤال، دیدگاه «هریت بارتلت»، از پیشگامان مددکاری اجتماعی، در مورد اهداف این حرفه را جویا می‌شود. هدف این سؤال، سنجش دانش داوطلبان در زمینه نظریه‌های مددکاری اجتماعی و شناخت دیدگاه‌های صاحب‌نظران این حوزه است. به طور خاص، سؤال بر روی تعریف بارتلت از هدف اصلی خدمات اجتماعی تمرکز دارد.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۱ (هدف اصلی خدمات اجتماعی، ایجاد سازگاری بین انسان و محیط است):

هریت بارتلت، در آثار خود، به ویژه کتاب «وجه مشترک مددکاری اجتماعی» (The Common Base of Social Work Practice)، بر اهمیت تعامل بین فرد و محیط تأکید فراوان داشته است. او معتقد بود که مددکاری اجتماعی باید به دنبال ایجاد تعادل و سازگاری بین این دو باشد. این دیدگاه، که به عنوان «دیدگاه سیستمی» نیز شناخته می‌شود، فرد را در بستر محیط خود در نظر می‌گیرد و بر تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر تأکید دارد. بارتلت معتقد بود که مشکلات افراد نه صرفاً ناشی از عوامل درونی، بلکه نتیجه‌ی تعامل پیچیده بین فرد و محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اوست. بنابراین، هدف مددکاری اجتماعی، بهبود این تعامل و ایجاد سازگاری بیشتر بین فرد و محیط است. این سازگاری می‌تواند شامل تغییر در محیط (مانند بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی) یا تغییر در فرد (مانند افزایش توانایی‌های فردی برای مقابله با مشکلات) باشد.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه (بدون مطالب تکراری):

دیدگاه بارتلت در مورد سازگاری انسان و محیط، رویکردی جامع و چند بعدی به مددکاری اجتماعی ارائه می‌دهد. این دیدگاه، از تمرکز صرف بر مشکلات فردی فراتر رفته و به عوامل محیطی مؤثر بر زندگی افراد نیز توجه می‌کند. این رویکرد، مددکاران اجتماعی را تشویق می‌کند تا به دنبال راه‌حل‌هایی باشند که هم به بهبود وضعیت فرد کمک کند و هم شرایط محیطی را بهبود بخشد. برای مثال، مددکاری که با فردی بی‌خانمان کار می‌کند، نه تنها به دنبال یافتن سرپناه برای اوست، بلکه به بررسی علل بی‌خانمانی او (مانند مشکلات اقتصادی، خانوادگی یا روانی) و تلاش برای رفع آن‌ها نیز می‌پردازد. این رویکرد، تأثیر بسزایی در شکل‌گیری رویکردهای نوین مددکاری اجتماعی، مانند مددکاری اجتماعی اکولوژیک و مددکاری اجتماعی توانمندساز، داشته است.

علت عدم انتخاب تک به تک گزینه‌های دیگر:

- **گزینه ۲ (مددکار اجتماعی در پی آن است که انسان، نیازمند تکیه گاه نباشد):** این گزینه، بر استقلال فرد تأکید دارد، که البته جنبه‌ی مهمی در مددکاری اجتماعی است، اما هدف اصلی و جامع آن نیست. هدف مددکاری، صرفاً قطع وابستگی فرد نیست، بلکه توانمندسازی او برای زندگی بهتر و سازگارتر با محیط است. ممکن است فرد در شرایطی خاص به حمایت و تکیه‌گاه نیاز داشته باشد و وظیفه مددکار فراهم کردن این حمایت به صورت موقت و هدفمند است، نه حذف کامل آن.
- **گزینه ۳ (هدف مددکار اجتماعی، گسترش مهارت‌های مددجو در حل مشکل خود است):** این گزینه نیز بخشی از اهداف مددکاری را شامل می‌شود، اما نه تمام آن را. توسعه مهارت‌های حل مسئله، ابزاری است برای رسیدن به هدف اصلی، یعنی سازگاری بین فرد و محیط. به عبارت دیگر، افزایش مهارت‌های حل مسئله، به فرد کمک می‌کند تا بهتر با چالش‌های محیطی خود روبرو شود و سازگاری بیشتری با آن پیدا کند.
- **گزینه ۴ (هدف مددکار اجتماعی این است که افراد، بهترین راه را برای پیشرفت خود انتخاب کنند):** این گزینه نیز بر انتخاب فرد تأکید دارد که مهم است، اما هدف نهایی نیست. مددکار اجتماعی، با ارائه اطلاعات، مشاوره و حمایت، به فرد کمک می‌کند تا بهترین تصمیم را بگیرد، اما هدف اصلی، ایجاد شرایطی است که فرد بتواند در محیط خود به بهترین شکل ممکن زندگی کند و سازگاری داشته باشد.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **سازگاری: (Adaptation)** فرایندی که فرد یا سیستم، خود را با تغییرات محیطی سازگار می‌کند.
- **محیط: (Environment)** شامل تمام عوامل خارجی مؤثر بر فرد، از جمله عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فیزیکی.
- **دیدگاه سیستمی: (Systems Perspective)** رویکردی که به بررسی روابط متقابل بین اجزای یک سیستم، مانند فرد و محیط، می‌پردازد.
- **وجه مشترک مددکاری اجتماعی: (The Common Base of Social Work Practice)** کتابی از هریت بارتلت که در آن به بررسی اصول و ارزش‌های مشترک در انواع مختلف مددکاری اجتماعی پرداخته است.

گزینه ۱) .۹

شرح موضوع سؤال: سؤال مطرح شده به بررسی نقش و وظیفه هر یک از طرفین درگیر در مصاحبه انگیزشی، به ویژه در زمینه حل تردیدها و ابهامات می‌پردازد. مصاحبه انگیزشی (Motivational Interviewing) رویکردی مراجع-محور و همدلانه است که هدف آن تقویت انگیزه درونی فرد برای تغییر رفتار است. سؤال می‌پرسد که مسئولیت اصلی رفع تردیدها و ابهامات در این فرایند بر عهده کیست.



دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۱ (مراجع):

در مصاحبه انگیزشی، فرض بر این است که خود مراجع، منبع اصلی تغییر است و دارای منابع و توانایی‌های لازم برای حل مسائل و ایجاد تغییر در زندگی خود است. نقش مددکار اجتماعی، تسهیل این فرایند و کمک به مراجع در کشف و تقویت انگیزه درونی خود است، نه تحمیل راه‌حل یا رفع مستقیم تردیدها.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه مراجع به شرح زیر است:

- **خودمختاری مراجع (Client Autonomy):** یکی از اصول اساسی مصاحبه انگیزشی، احترام به خودمختاری مراجع و حق او در تصمیم‌گیری برای زندگی خود است. مددکار به مراجع کمک می‌کند تا ارزش‌ها، اهداف و انگیزه‌های خود را شناسایی کند و بر اساس آن‌ها تصمیم بگیرد. رفع تردیدها و ابهامات نیز بخشی از این فرایند است که باید توسط خود مراجع و با هدایت مددکار انجام شود.
- **تقویت انگیزه درونی (Intrinsic Motivation):** هدف اصلی مصاحبه انگیزشی، تقویت انگیزه درونی مراجع برای تغییر است. اگر مددکار مستقیماً تردیدها را رفع کند، ممکن است انگیزه بیرونی ایجاد شود که پایدار نخواهد بود. در عوض، وقتی مراجع خودش به پاسخ سؤالات و رفع ابهامات خود می‌رسد، انگیزه درونی او تقویت شده و احتمال موفقیت در تغییر رفتار افزایش می‌یابد.
- **همکاری و مشارکت (Collaboration):** مصاحبه انگیزشی بر پایه همکاری و مشارکت بین مددکار و مراجع استوار است. مددکار به عنوان یک همراه و راهنما، مراجع را در مسیر تغییر همراهی می‌کند، نه به عنوان یک متخصص که راه‌حل‌ها را تجویز می‌کند. حل تردیدها و ابهامات نیز نیازمند مشارکت فعال هر دو طرف است، اما مسئولیت اصلی آن بر عهده مراجع است.
- **برانگیختن گفتگوی تغییر (Evoking Change Talk):** در مصاحبه انگیزشی، مددکار از طریق سؤالات باز، انعکاس‌ها و سایر تکنیک‌ها، مراجع را به صحبت در مورد دلایل تغییر و مزایای آن تشویق می‌کند. این فرایند به مراجع کمک می‌کند تا تردیدها و ابهامات خود را شناسایی و به آن‌ها پاسخ دهد.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

مصاحبه انگیزشی بر این باور استوار است که افراد بهترین متخصص برای زندگی خود هستند. مددکار نقش یک تسهیلگر را ایفا می‌کند و با استفاده از مهارت‌های خود، به مراجع کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از وضعیت خود برسد، تردیدها و ابهامات خود را شناسایی کند و راه‌حل‌های مناسب را پیدا کند. این فرایند نیازمند خودکاوشی و تفکر مراجع است و نمی‌تواند توسط مددکار به صورت مستقیم انجام شود.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۲ (مددکار اجتماعی):** همانطور که گفته شد، نقش مددکار، تسهیل فرایند تغییر است، نه تحمیل آن. رفع مستقیم تردیدها توسط مددکار، با اصول مصاحبه انگیزشی در تضاد است و می‌تواند منجر به ایجاد مقاومت در مراجع شود.
- **گزینه ۳ (مراجع و اعضای خانواده):** اگرچه حمایت خانواده می‌تواند در فرایند تغییر مؤثر باشد، اما تصمیم‌گیری نهایی و مسئولیت حل تردیدها بر عهده خود مراجع است. دخالت مستقیم خانواده در این فرایند می‌تواند باعث سلب خودمختاری مراجع و کاهش انگیزه درونی او شود.
- **گزینه ۴ (مراجع و مددکار اجتماعی):** این گزینه تا حدی درست است، زیرا حل تردیدها نیازمند مشارکت هر دو طرف است. با این حال، تأکید اصلی باید بر نقش مراجع باشد. مددکار به عنوان یک راهنما و تسهیلگر، مراجع را در این مسیر همراهی می‌کند، اما مسئولیت اصلی بر عهده خود مراجع است.

گزینه ۳. ۱۰

شرح موضوع سؤال:

این سؤال به دنبال تعیین نقش اصلی و محوری مددکار اجتماعی در چارچوب مدل گروهی با تمرکز بر اهداف اجتماعی است. مدل گروهی در مددکاری اجتماعی، استفاده از گروه به عنوان ابزاری برای رشد فردی، تغییر اجتماعی و حل مسائل است. اهداف اجتماعی در این مدل بر بهبود شرایط اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی و توانمندسازی جامعه تأکید دارد. سؤال می‌پرسد که کدام گزینه بهترین توصیف از نقش مددکار در این راستا است.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۳ (قادرکننده و آموزش‌دهنده):

در مدل گروهی با اهداف اجتماعی، مددکار نقش اصلی را در توانمندسازی اعضای گروه و آموزش مهارت‌های لازم برای مشارکت مؤثر در اجتماع ایفا می‌کند. این نقش شامل موارد زیر است:

- **توانمندسازی (Empowerment):** مددکار به اعضای گروه کمک می‌کند تا نقاط قوت خود را شناسایی کنند، بر موانع غلبه کنند و کنترل بیشتری بر زندگی خود و جامعه داشته باشند. این شامل افزایش اعتماد به نفس، خودباوری و خودتأکیدی است.
- **آموزش (Education):** مددکار دانش، مهارت‌ها و اطلاعات لازم را در اختیار اعضای گروه قرار می‌دهد تا بتوانند به طور مؤثر در جامعه مشارکت کنند، از حقوق خود دفاع کنند و مسائل اجتماعی را حل کنند. این می‌تواند شامل آموزش مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، تصمیم‌گیری، رهبری و سازماندهی باشد.
- **تسهیلگری (Facilitation):** مددکار فرایند گروه را تسهیل می‌کند، به ایجاد فضایی امن و حمایتی کمک می‌کند و اعضا را تشویق به مشارکت فعال و تبادل نظر می‌کند.
- **ایجاد فرصت (Opportunity Creation):** مددکار به ایجاد فرصت‌هایی برای اعضای گروه کمک می‌کند تا مهارت‌های خود را در عمل به کار گیرند و در فعالیتهای اجتماعی و جامعه‌ای مشارکت کنند.



تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

نقش قادرکننده و آموزش‌دهنده در مدل گروهی با اهداف اجتماعی، بر اساس این باور استوار است که افراد و گروه‌ها دارای ظرفیت بالقوه برای تغییر و بهبود شرایط خود هستند. مددکار با فراهم کردن ابزارها و منابع لازم، این ظرفیت را بالفعل می‌کند. این نقش، رویکردی مشارکتی و مبتنی بر توانمندی است که به جای تمرکز بر نقص‌ها و مشکلات، بر نقاط قوت و توانایی‌های افراد تأکید دارد.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (واسطه و میانجی‌گری):** در حالی که میانجی‌گری می‌تواند بخشی از نقش مددکار باشد، اما نقش اصلی او در مدل گروهی با اهداف اجتماعی، فراتر از میانجی‌گری صرف است. مددکار نه تنها بین افراد یا گروه‌ها میانجی‌گری می‌کند، بلکه به توانمندسازی آنها برای حل مسائل خودشان نیز می‌پردازد.
- **گزینه ۲ (متخصص و عامل تغییر):** این گزینه تا حدودی درست است، اما تأکید بیش از حد بر نقش متخصص، با اصول توانمندسازی و مشارکت در مدل گروهی در تضاد است. مددکار نه به عنوان یک متخصص که راه‌حل‌ها را تجویز می‌کند، بلکه به عنوان یک تسهیلگر و همراه، اعضای گروه را در مسیر تغییر همراهی می‌کند.
- **گزینه ۴ (درمانگر و اصلاح‌کننده):** این گزینه بیشتر به مدل‌های درمانی و فردی نزدیک است. در مدل گروهی با اهداف اجتماعی، تمرکز بر تغییر اجتماعی و توانمندسازی جامعه است، نه صرفاً درمان مشکلات فردی.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **مدل گروهی (Group Work Model):** استفاده از گروه به عنوان ابزاری برای رشد فردی، تغییر اجتماعی و حل مسائل.
- **اهداف اجتماعی (Social Goals):** اهدافی که بر بهبود شرایط اجتماعی، افزایش مشارکت اجتماعی و توانمندسازی جامعه تأکید دارند.
- **توانمندسازی (Empowerment):** فرایندی که به افراد و گروه‌ها کمک می‌کند تا کنترل بیشتری بر زندگی خود و جامعه داشته باشند.
- **آموزش (Education):** فراهم کردن دانش، مهارت‌ها و اطلاعات لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه.
- **تسهیلگری (Facilitation):** تسهیل فرایند گروه و تشویق اعضا به مشارکت فعال.
- **میانجی‌گری (Mediation):** حل اختلافات بین افراد یا گروه‌ها با کمک یک شخص ثالث بی‌طرف.
- **عامل تغییر (Change Agent):** فردی که نقش فعالی در ایجاد تغییر در جامعه ایفا می‌کند.
- **درمانگر (Therapist):** فردی که به درمان مشکلات روانی و رفتاری افراد می‌پردازد.
- **اصلاح‌کننده (Reformer):** فردی که به دنبال اصلاح و بهبود سیستم‌ها و ساختارهای اجتماعی است.

۱۱. گزینه ۴

شرح موضوع سؤال:

این سؤال به دنبال شناسایی ابزارهای اساسی و بنیادین در فرایند ارزیابی کیفی خانواده است. ارزیابی کیفی خانواده به معنای درک عمیق و چندجانبه از ساختار، عملکرد، روابط و پویایی‌های خانواده است. این ارزیابی به مددکار اجتماعی کمک می‌کند تا نیازها، نقاط قوت و چالش‌های خانواده را شناسایی کرده و برنامه‌ریزی مناسبی برای مداخله و ارائه خدمات داشته باشد.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۴ (مشاهده و گوش دادن):

مشاهده و گوش دادن دو ابزار بسیار حیاتی و زیربنایی در ارزیابی کیفی خانواده به شمار می‌روند. این دو ابزار به مددکار کمک می‌کنند تا اطلاعات دست‌اول و عمیقی از خانواده کسب کند.

- **مشاهده (Observation):** مشاهده شامل بررسی رفتارها، تعاملات، الگوهای ارتباطی و محیط فیزیکی خانواده است. مددکار با مشاهده دقیق، می‌تواند اطلاعات مهمی در مورد نحوه عملکرد خانواده، روابط بین اعضا، نحوه حل مسائل و الگوهای رفتاری کسب کند. مشاهده می‌تواند به صورت مستقیم (در بازدید منزل یا جلسات مشاوره) یا غیرمستقیم (از طریق گزارش‌های دیگران) انجام شود.
- **گوش دادن (Listening):** گوش دادن فعال و همدلانه به صحبت‌های اعضای خانواده، به مددکار کمک می‌کند تا دیدگاه‌ها، احساسات، نگرانی‌ها و نیازهای آنها را درک کند. گوش دادن مؤثر، فضایی امن و حمایتی برای اعضای خانواده ایجاد می‌کند تا بتوانند به راحتی صحبت کنند و اعتماد بیشتری به مددکار پیدا کنند.

این دو ابزار مکمل یکدیگرند و به مددکار کمک می‌کنند تا تصویری جامع و دقیق از وضعیت خانواده به دست آورند.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

مشاهده و گوش دادن، ابزارهایی هستند که در تمامی رویکردهای مددکاری اجتماعی، به ویژه در کار با خانواده، کاربرد دارند. این ابزارها به مددکار کمک می‌کنند تا از قضاوت‌های زود هنگام پرهیز کند و بر اساس اطلاعات واقعی و دقیق، تصمیم‌گیری کند. مشاهده به مددکار کمک می‌کند تا رفتارهای غیرکلامی و نشانه‌های پنهان را نیز درک کند، در حالی که گوش دادن فعال به مددکار امکان می‌دهد تا به عمق احساسات و تجربیات اعضای خانواده پی ببرد.



علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (همدلی و مشاهده): همدلی (Empathy) یک مهارت مهم برای مددکار است، نه یک ابزار ارزیابی. همدلی به مددکار کمک می‌کند تا احساسات مراجع را درک کند و با او ارتباط مؤثر برقرار کند، اما به تنهایی برای ارزیابی کیفی خانواده کافی نیست.
- گزینه ۲ (بازدید منزل و مشاهده): بازدید منزل (Home Visit) یک روش برای جمع‌آوری اطلاعات است و می‌تواند فرصت مناسبی برای مشاهده باشد، اما خود بازدید منزل به تنهایی یک ابزار ارزیابی نیست. مشاهده می‌تواند در محیط‌های مختلف، از جمله دفتر مددکاری، نیز انجام شود.
- گزینه ۳ (شجره‌نامه و گوش دادن): شجره‌نامه (Genogram) یک ابزار تصویری برای نمایش ساختار خانواده و روابط بین اعضا است. شجره‌نامه می‌تواند اطلاعات مفیدی در مورد تاریخچه خانوادگی، الگوهای نسلی و روابط خانوادگی ارائه دهد، اما به تنهایی برای ارزیابی کیفی خانواده کافی نیست. گوش دادن نیز مانند همدلی، یک مهارت است که در کنار سایر ابزارها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- ارزیابی کیفی خانواده (Qualitative Family Assessment) فرایندی برای درک عمیق و چندجانبه از ساختار، عملکرد، روابط و پویایی‌های خانواده.
 - مشاهده (Observation): بررسی رفتارها، تعاملات، الگوهای ارتباطی و محیط فیزیکی خانواده.
 - گوش دادن (Listening): توجه فعال و همدلانه به صحبت‌های اعضای خانواده.
 - همدلی (Empathy): توانایی درک و سهیم شدن در احساسات دیگران.
 - بازدید منزل (Home Visit): مراجعه مددکار به منزل مراجع برای جمع‌آوری اطلاعات و مشاهده محیط زندگی او.
 - شجره‌نامه (Genogram): نموداری تصویری از ساختار خانواده و روابط بین اعضا در طول نسل‌ها.
- گزینه ۲. ۱۲

شرح موضوع سؤال:

این سؤال به دنبال شناسایی تکنیک خاصی در مصاحبه مددکاری اجتماعی است که در آن مددکار از مراجع می‌خواهد تا ادراک و برداشت او را تأیید یا اصلاح کند. این تکنیک به منظور اطمینان از درک صحیح پیام مراجع و جلوگیری از سوءتفاهم‌ها به کار می‌رود.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۲ (وارسی کردن):

- وارسی کردن (Checking) یا بازبینی، تکنیکی است که در آن مددکار برداشت خود از گفته‌ها یا احساسات مراجع را به او بازگو می‌کند و از او می‌خواهد که صحت آن را تأیید یا در صورت لزوم اصلاح کند. این تکنیک به دلایل زیر اهمیت دارد:
- جلوگیری از سوءتفاهم: وارسی کردن به مددکار کمک می‌کند تا مطمئن شود که پیام مراجع را به درستی دریافت کرده است و از هرگونه برداشت نادرست جلوگیری شود.
- نشان دادن توجه و درک: وقتی مددکار برداشت خود را با مراجع در میان می‌گذارد، به او نشان می‌دهد که به دقت به صحبت‌هایش گوش می‌دهد و سعی در درک او دارد.
- تقویت رابطه مددکاری: وارسی کردن به ایجاد فضایی از اعتماد و شفافیت در رابطه مددکاری کمک می‌کند و مراجع احساس می‌کند که شنیده می‌شود و درک می‌شود.
- تشویق به خودکاوشی: وارسی کردن می‌تواند مراجع را تشویق کند تا بیشتر در مورد احساسات و افکار خود فکر کند و آنها را به طور دقیق‌تر بیان کند.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

وارسی کردن، تکنیکی فعال و مشارکتی است که نیازمند توجه دقیق مددکار به گفته‌ها و زبان بدن مراجع است. مددکار باید بتواند به طور خلاصه و دقیق، برداشت خود را از پیام مراجع بیان کند و از او بخواهد که آن را تأیید یا اصلاح کند. این فرایند به ایجاد گفتگویی سازنده بین مددکار و مراجع کمک می‌کند و به درک متقابل می‌انجامد.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (روشن‌سازی): روشن‌سازی (Clarification) به معنای درخواست اطلاعات بیشتر از مراجع برای درک بهتر یک موضوع است. در روشن‌سازی، مددکار از مراجع می‌خواهد که توضیح بیشتری در مورد یک موضوع مبهم یا پیچیده ارائه دهد، اما لزوماً برداشت خود را مطرح نمی‌کند تا مراجع آن را تأیید یا اصلاح کند.
- گزینه ۳ (تفسیر): تفسیر (Interpretation) به معنای ارائه توضیح یا معنای جدیدی از سوی مددکار برای گفته‌ها یا رفتارهای مراجع است. در تفسیر، مددکار سعی می‌کند به مراجع کمک کند تا الگوها یا معانی پنهان در رفتار یا گفتار خود را درک کند، اما از او نمی‌خواهد که برداشت مددکار را تأیید یا اصلاح کند. تفسیر باید با احتیاط و در زمان مناسب انجام شود، زیرا می‌تواند باعث ایجاد مقاومت در مراجع شود.



- **گزینه ۴ (انعکاس):** انعکاس (Reflection) به معنای بازتاب دادن احساسات یا گفته‌های مراجع به خودش است. در انعکاس، مددکار سعی می‌کند احساسات یا افکار مراجع را به طور خلاصه و دقیق بازگو کند تا به او نشان دهد که او را درک می‌کند. انعکاس بیشتر بر بازتاب احساسات تأکید دارد، در حالی که واریسی کردن بر تأیید یا اصلاح برداشت مددکار از کل پیام مراجع متمرکز است.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **واریسی کردن: (Checking/Verification)** تکنیکی در مصاحبه که در آن مددکار برداشت خود از گفته‌ها یا احساسات مراجع را بازگو می‌کند و از او می‌خواهد که صحت آن را تأیید یا اصلاح کند.
- **روشن‌سازی: (Clarification)** درخواست اطلاعات بیشتر از مراجع برای درک بهتر یک موضوع.
- **تفسیر: (Interpretation)** ارائه توضیح یا معنای جدیدی از سوی مددکار برای گفته‌ها یا رفتارهای مراجع.
- **انعکاس: (Reflection)** بازتاب دادن احساسات یا گفته‌های مراجع به خودش.
- **مصاحبه: (Interview)** یک گفتگوی هدفمند بین مددکار و مراجع به منظور جمع‌آوری اطلاعات، ارائه خدمات و کمک به حل مسائل.

گزینه ۲. ۱۳

شرح موضوع سؤال:

این سؤال به دنبال شناسایی وجه اشتراک اساسی و بنیادین بین دو مفهوم «مددکاری اجتماعی» و «وقف» است. مددکاری اجتماعی حرفه‌ای است که به افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع کمک می‌کند تا با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی خود مقابله کنند و به رفاه و بهبود کیفیت زندگی دست یابند. وقف نیز یک سنت نیکوکارانه در فرهنگ اسلامی است که در آن فرد، مالی را برای امور خیریه و عام‌المنفعه اختصاص می‌دهد. سؤال می‌پرسد که چه ویژگی مشترکی این دو را از اساس به هم پیوند می‌دهد.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۲ (قصد و نیت متکی بر عقلانیت و منطق):

در نگاه اول، ممکن است گزینه‌هایی مانند «توجه به نیازهای عمومی و جمعی» یا «تلاشی در جهت حل مشکلات اجتماعی» به عنوان پاسخ‌های مناسب‌تر به نظر برسند. اما نکته کلیدی در این سؤال، تأکید بر شباهت «بنیادین» و «از اساس» است. آنچه مددکاری اجتماعی و وقف را در سطح بنیادین به هم مرتبط می‌کند، **قصد و نیت عقلانی و منطقی** پشت این دو عمل است.

- **مددکاری اجتماعی:** مددکاری اجتماعی بر پایه دانش، نظریه، اصول اخلاقی و روش‌های علمی استوار است. مددکاران اجتماعی با استفاده از دانش و مهارت‌های خود، به صورت آگاهانه و برنامه‌ریزی شده به افراد و جوامع کمک می‌کنند. این عمل بر پایه عقلانیت و منطق استوار است و هدف آن بهبود شرایط زندگی افراد و جامعه به صورت مؤثر و پایدار است.

- **وقف:** وقف نیز یک عمل عقلانی و منطقی است. واقف با نیت خیرخواهانه و با در نظر گرفتن منافع بلندمدت جامعه، مالی را برای امور عام‌المنفعه اختصاص می‌دهد. این عمل بر پایه تفکر منطقی و دوراندیشانه استوار است و هدف آن ایجاد منبعی پایدار برای رفع نیازهای جامعه است.

به عبارت دیگر، هم در مددکاری اجتماعی و هم در وقف، **قصد و نیت آگاهانه و عقلانی** برای بهبود شرایط جامعه وجود دارد. این قصد و نیت، بر پایه تفکر منطقی و دوراندیشانه استوار است و هدف آن ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جامعه است.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

در حالی که گزینه‌های دیگر نیز جنبه‌هایی از شباهت را نشان می‌دهند، اما این «قصد و نیت عقلانی» است که به عنوان یک نخ نامرئی، این دو مفهوم را از اساس به هم پیوند می‌دهد. این شباهت بنیادین، فراتر از صرفاً کمک به دیگران یا حل مشکلات اجتماعی است. این به نوعی جهان‌بینی و رویکرد به زندگی برمی‌گردد که در آن، عقلانیت، منطق و دوراندیشی، مبنای عمل خیرخواهانه قرار می‌گیرد.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- **گزینه ۱ (توجه به نیازهای عمومی و جمعی):** در حالی که هم مددکاری اجتماعی و هم وقف به نیازهای عمومی و جمعی توجه دارند، این ویژگی مختص این دو نیست. بسیاری از فعالیت‌های دیگر، مانند فعالیت‌های دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی کسب‌وکارهای خصوصی نیز می‌توانند به نیازهای عمومی توجه داشته باشند. بنابراین، این ویژگی نمی‌تواند به عنوان شباهت «بنیادین» بین مددکاری اجتماعی و وقف در نظر گرفته شود.

- **گزینه ۳ (تلاشی در جهت حل مشکلات اجتماعی):** مشابه گزینه قبل، تلاش برای حل مشکلات اجتماعی نیز ویژگی مشترک بسیاری از فعالیت‌ها است و نمی‌تواند به عنوان وجه تمایز بنیادین بین مددکاری اجتماعی و وقف مطرح شود.

- **گزینه ۴ (مشارکت و استفاده از ظرفیت‌های محلی):** مشارکت و استفاده از ظرفیت‌های محلی می‌تواند در هر دو حوزه مددکاری اجتماعی و وقف مورد توجه قرار گیرد، اما این ویژگی بیشتر به روش اجرا و نحوه عمل مربوط است، نه به قصد و نیت بنیادین.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- **مددکاری اجتماعی: (Social Work)** حرفه‌ای که به افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع کمک می‌کند تا با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و روانی خود مقابله کنند.
- **وقف: (Endowment/Waqf)** اختصاص دادن مالی برای امور خیریه و عام‌المنفعه.



- قصد و نیت (Intention): هدف و منظور آگاهانه از انجام یک عمل.
- عقلانیت (Rationality): استفاده از منطق و استدلال در تصمیم‌گیری و عمل.
- منطق (Logic): روش صحیح استدلال و تفکر.
- نیازهای عمومی و جمعی (Public and Collective Needs): نیازهایی که مربوط به کل جامعه یا گروه‌های بزرگی از مردم است.
- حل مشکلات اجتماعی (Solving Social Problems): تلاش برای رفع چالش‌ها و مسائل موجود در جامعه.
- مشارکت (Participation): حضور فعال و سهیم شدن در یک فعالیت یا فرایند.
- ظرفیت‌های محلی (Local Capacities): منابع، توانایی‌ها و امکانات موجود در یک منطقه یا جامعه.

گزینه ۳) ۱۴.

شرح موضوع سؤال:

این سؤال به دنبال تعریف و تبیین مفهوم «حمایت متقابل در گروه» و مشخص کردن نوع خاصی از کمک متقابل است که در این فرایند رخ می‌دهد. حمایت متقابل در گروه‌ها به معنای تبادل کمک و حمایت بین اعضای گروه است که می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد. سؤال می‌پرسد که کدام گزینه به طور دقیق‌تر، نوع این حمایت را در قالب یک فرایند توصیف می‌کند.

دلایل تخصصی انتخاب گزینه ۳ (اعضا به حمایت عاطفی از یکدیگر می‌پردازند):

- حمایت متقابل در گروه‌ها، در هسته‌ی خود، بر حمایت عاطفی استوار است. این نوع حمایت شامل موارد زیر می‌شود:
- همدلی و درک متقابل: اعضا سعی می‌کنند احساسات، تجربیات و چالش‌های یکدیگر را درک کنند و با آن‌ها همدلی نشان دهند.
- پذیرش و تأیید: اعضا یکدیگر را بدون قضاوت و پیش‌داوری می‌پذیرند و به آن‌ها احساس تعلق و ارزشمندی می‌دهند.
- تشویق و دلگرمی: اعضا یکدیگر را در مواجهه با مشکلات و چالش‌ها تشویق و دلگرم می‌کنند و به آن‌ها امید و انگیزه می‌دهند.
- به اشتراک گذاشتن تجربیات: اعضا تجربیات مشابه خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و از این طریق به یکدیگر کمک می‌کنند تا با مشکلات خود بهتر کنار بیایند.

این نوع حمایت عاطفی، باعث ایجاد حس تعلق، اعتماد و صمیمیت در گروه می‌شود و به اعضا کمک می‌کند تا احساس تنهایی و انزوا نکنند.

تجزیه و تحلیل و تفسیر جداگانه:

حمایت متقابل در گروه‌ها، فراتر از صرفاً انجام کارهای عملی برای یکدیگر است. این فرایند، یک تعامل پویا و دوسویه است که در آن اعضا با به اشتراک گذاشتن احساسات، تجربیات و نگرانی‌های خود، به یکدیگر کمک می‌کنند تا از نظر عاطفی تقویت شوند و با چالش‌های زندگی خود بهتر مقابله کنند. این نوع حمایت، به ویژه در گروه‌های حمایتی (مانند گروه‌های خودیاری) که اعضا با مشکلات مشابهی روبرو هستند، بسیار اهمیت دارد.

علت عدم انتخاب سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱ (اعضای گروه با عمل به تقاضا، به یکدیگر کمک می‌کنند): این گزینه به نوعی از کمک اشاره دارد که بیشتر جنبه‌ی عملی و وظیفه‌ای دارد. در حالی که کمک عملی نیز می‌تواند در گروه‌ها وجود داشته باشد، اما هسته‌ی اصلی حمایت متقابل، حمایت عاطفی است.
- گزینه ۲ (اعضای گروه، دست به اقدام عملی جمعی می‌زنند): این گزینه به فعالیت‌های گروهی و اقدامات جمعی اشاره دارد که می‌تواند هدف خاصی داشته باشد (مانند حل یک مشکل اجتماعی). در حالی که اقدامات جمعی نیز می‌توانند جنبه‌ای از فعالیت‌های گروهی باشند، اما با مفهوم «حمایت متقابل» که بر تبادل حمایت عاطفی بین اعضا تأکید دارد، متفاوت است.
- گزینه ۴ (از طریق آن، اعضا به یک عضو کمک می‌کنند): این گزینه به وضعیتی اشاره دارد که در آن، تمرکز حمایت بر روی یک فرد خاص است. در حالی که کمک به یک عضو خاص نیز می‌تواند در گروه رخ دهد، اما «حمایت متقابل» بر تبادل حمایت بین همه‌ی اعضای گروه تأکید دارد.

اصطلاحات تخصصی و معادل انگلیسی:

- حمایت متقابل (Mutual Support/Peer Support): تبادل کمک و حمایت بین اعضای یک گروه.
- حمایت عاطفی (Emotional Support): ارائه همدلی، درک، پذیرش، تشویق و دلگرمی به دیگران.
- گروه حمایتی (Support Group): گروهی از افرادی که تجربیات و مشکلات مشابهی دارند و برای ارائه حمایت عاطفی و اطلاعات به یکدیگر گرد هم می‌آیند.
- کمک متقابل (Reciprocal Help): فرایندی که در آن افراد به طور متقابل به یکدیگر کمک می‌کنند.
- اقدام عملی جمعی (Collective Action): فعالیت‌های گروهی که با هدف دستیابی به یک هدف مشترک انجام می‌شود.

گزینه ۴) ۱۵.

شرح موضوع سؤال:

این سؤال به دنبال تعیین این موضوع است که نگرش گوناگونی انسان‌ها چگونه بر درک و بررسی رفتار انسانی تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، سؤال می‌پرسد که وقتی به تنوع و گوناگونی انسان‌ها توجه می‌کنیم، از چه زاویه‌ای به رفتار آن‌ها نگاه می‌کنیم.